



مرکز تحقیقات اسلامی

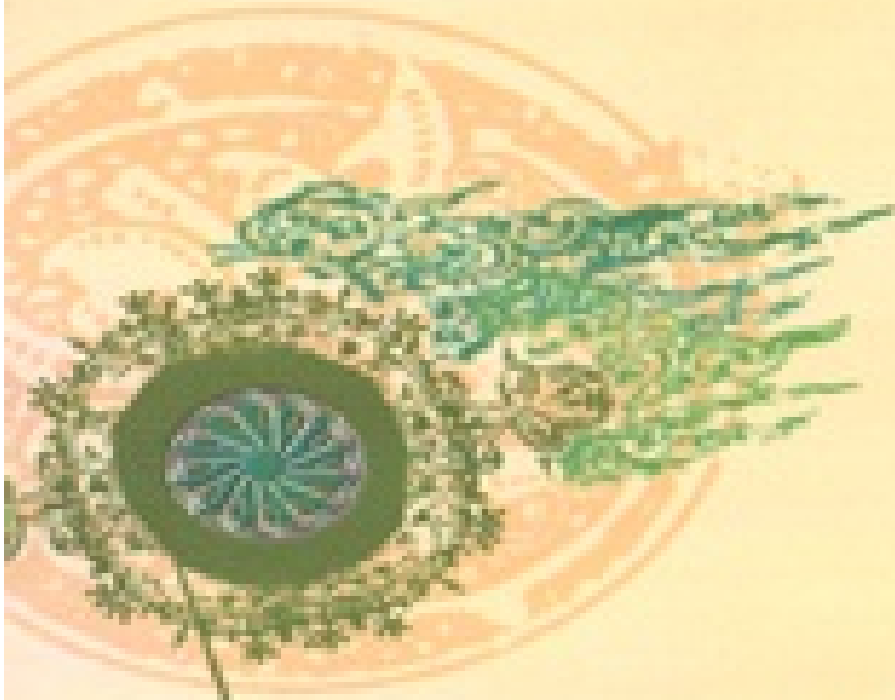
اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



شيعه و سابقه تاريخي آن

تأليف: محمد حسين مشفق
ترجمه: دکتر سيد مصطفی‌القادر حسینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شیعه و سابقه تاریخی آن

نویسنده:

محمد رضا مظفر

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	شیعه و سابقه تاریخی آن
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۱۲	معنی لغوی شیعه
۲۸	انتشار تشیع
۳۳	علنی شدن دعوت به تشیع
۳۸	درباره مرکز

شیعه و سابقه تاریخی آن

مشخصات کتاب

سرشناسه : مظفر، محمدرضا، ۱۹۰۴ - ۱۹۶۴ م.
 عنوان قراردادی : عقایدالامامیه. فارسی. برگزیده.
 عنوان و نام پدیدآور : شیعه و سابقه تاریخی آن/نویسنده محمدرضا مظفر؛ مترجم محمدباقر حجتی.
 مشخصات نشر : تهران: مشعر، ۱۳۸۶.
 مشخصات ظاهری : ۳۲ ص..س ۱۹/۵ × ۹/۵؛
 شابک : ۲۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۰۷۶-۵
 وضعیت فهرست نویسی : فیپا
 یادداشت : کتاب حاضر برگزیده کتاب "عقایدالامامیه" تألیف محمدرضا مظفر است.
 یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.
 موضوع : شیعه -- تاریخ.

شناسه افزوده : Muzaffar, Mohammad Rida

شناسه افزوده : حجتی، محمدباقر، ۱۳۱۱ - ، مترجم.

رده بندی کنگره : BP۲۳۹/م۵۴ ش ۹۴ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۵۳

شماره کتابشناسی ملی : ۱۱۷۸۲۸۰

ص: ۱

اشاره

ص: ۷

معنی لغوی شیعه

شیعه از نظر لغت به معنی پیروان و یاران و انصار است، و با همین ساختمان لفظی بر مفرد و تشبیه و جمع و مذکر و مؤنث - بدون نیازی به تغییر قالب تعبیر آن - اطلاق می‌گردد، و ریشه آن «مُشایَعَت» به معنی مطاوعه و پیروی کردن است. این واژه اختصاصاً در مورد فرد و یا افرادی به کار می‌رود که دوستدار علی و فرزندان او هستند و به امامت آنها اعتقاد دارند تا آنجا که اگر واژه «شیعه» بدون قید و شرط اضافی به کار برده شود و قرینه‌ای در کار نباشد اذهان به چنان افرادی منحصر می‌شود که قائل به امامت امامان یاد شده هستند.

ابن خلدون در مقدمه «العبر» (۱) ۱ می‌نویسد:

«شیعه از لحاظ لغوی به معنی یاران و پیروان است، و در اصطلاح فقها و متکلمین - اعم از پسینیان و پیشینیان - بر

ص: ۸

پیروان علی و فرزندان‌ش (رضی الله عنهم) اطلاق می‌گردد».

سابقه اختصاص عنوان شیعه به پیروان ائمه

سابقه اختصاص عنوان «شیعه» به پیروان ائمه و روایات مربوط به آن:

شاید تصور کنیم عنوان «شیعه» - جز پس از گذشت مدتی طولانی از زمان ظهور اسلام - به دوستان و پیروان اهل‌البیت اختصاص نیافت بدین معنی آنگاه که دوستان اهل‌البیت رو به فزونی نهادند و در سرزمین‌های مختلف پراکندند این عنوان بدان‌ها منسوب گشت تا از سایرین ممتاز و مشخص شوند، لکن این تصور درست نیست؛ زیرا اگر در احادیث نبوی به جستجو پردازیم باز می‌یابیم که اختصاص این عنوان به دوستان اهل‌البیت همراه با همان روزی که اسلام طلوع کرد دارای سابقه می‌باشد، و شاخ و برگ بارور آن مربوط به همان دورانی است که نهال آن غرس شد، و نیز به این نتیجه می‌رسیم که شارع اسلام این نام و عنوان را خود وضع کرده بود.

مطالبی که از این پس از نظر می‌گذرانید درخشش‌هایی از حدیث پیامبر گرامی اسلام است که آنها را رویاروی تو قرار می‌دهیم تا آنها را به سخن واداری و مآلاً این حقیقت را برای تو گویا گردند.

ص: ۹

زمخشری در «ربیع الأبرار» از پیامبر اکرم روایت می‌کند که فرمود:

یا علی اذا کان یوم القیامه اخذت بحجزه الله، وانت اخذت بحجزتی، واخذ ولدک بحجزتک وأخذ شیعه ولدک بحجزتک وأخذ

شیعه ولدک بحجزهم فنی این یؤمر بنا؟ (۱) ۲

ای علی! وقتی روز قیامت به هم رسد من دامن خدا را می‌گیرم، و تو دامن و بند کمر مرا، و فرزندان تو دامن تو را، و شیعه فرزندان تو دامن آنها را؛ آنگاه در انتظار آن خواهیم بود که دستور دهند ما را به کجا برند.

حُجْزَه بِنْدِ لُنْگِک و جامه است، آنگاه به خود لُنْگِک و تن پوش پائین تنه، کلمه «حُجْزَه» را از باب مجاورت اطلاق کرده‌اند، و گرفتن دامن و بند کمر یکدیگر کنایه از شدت نگاهداری یکدیگر و مبالغه در پیروی از همدیگر است.

در «الصَّواعق المَحْرِقَه» از ابن حجر آمده است: طبرانی از علی روایت می‌کند که فرمود:

ان خلیلی (رسول الله (ص)) قال: یا علی! انک ستقدم علی الله وشیعتک راضین مرضیین، ویقدم علیه عدوک غضاباً مُقْمَحین، ثم

جمع علی یده یُرِیهم الاقماح (۲) ۳

۱- مناقب اهل بیت:، ص ۱۷۶، به نقل از ربیع الأبرار.

۲- الصَّواعق المَحْرِقَه، ج ۲، ص ۴۴۹

ص: ۱۰

دوست من رسول خدا فرمود: ای علی! توبر خدا وارد خواهی شد در حالی که شیعه تو از خدا راضی و خدا نیز از آنها راضی است، و دشمن تو بر او در می آید در حالی که ناخشنود و خشمناک و سیر آنها به علت تنگی غل در بالا قرار گرفته و یا به دهان آنها لگام زده‌اند. آنگاه برای این که این حالت را نشان دهد دستش را در گردنش جمع کرد.

جای بسی شگفتی است که این حجر پنداشته منظور از شیعه در اینجا عبارت از اهل سنت هستند! من نمی‌دانم آیا این سخن ابن حجر از آنرو است که شیعه و اهل سنت دو لفظ مترادف به شمار می‌روند! و یا گفتار او از وحدت این دو فرقه نشأت گرفته است! و یا آن که اهل سنت از لحاظ پیروی و دوستی نسبت به اهل بیت در سطح نمودارتری از شیعه قرار دارند! یا نمی‌دانم برای چیست!

ابن حجر همچنین گفته است: حافظ جمال‌الدین زرندی از ابن عباس آورده است که وقتی آیه زیر نازل شد:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ. (۱) ۴

۱- ابن حجر این حدیث را به دنبال آیه هشتمی که در فضیلت اهل بیت آورده یاد می‌کند، و آن آیه عبارت است از: وَإِنِّي لَعَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى (طه: ۸۲): من آمرزنده کسی هستم که توبه کند و به سوی من بازگردد و ایمان آورده و کارشایسته را پیشه خود ساخته، آنگاه راه را باز یابد.

ص: ۱۱

و ابن حجر این آیه را به عنوان یازدهمین آیاتی در کتاب خود آورده که در فضل اهل‌البیت نازل شده است، ابن عباس گفت وقتی آیه مذکور نازل گردید رسول خدا به علی فرمود:

هو انت و شیعتک. تأتي أنت و شیعتک يوم القيامة راضين مرضيين، و يأتي عدوك غضاباً مُقَمَّحِينَ (۱) ۵

منظور این آیه و خیر البریه/ بهترین آفریدگان تو و شیعه تو است. تو با شیعه خود در روز قیامت به پیشگاه خدا می‌آیید در حالی که از خدا خشنود هستید و خدا نیز از شما خوشنود می‌باشد، و دشمن تو بر خدا درمی‌آید درحالی که خشمگین بوده و لگام برده‌اند دارند و یا سرشان را به خاطر تنگی غل به بالا گرفته‌اند.

و نیز پس از دهمین آیه- از آیاتی که درباره فضیلت اهل‌بیت ذکر کرده است-، یعنی آیه: وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى (۲) ۶ پرودگارت آن‌چنان تو را مشمول عطایای خود خواهد ساخت که خشنود گردی.

ابن حجر می‌گوید: احمد در «المناقب» آورده است که رسول خدا به علی فرمود:

۱- الصواعق المحرقة، ج ۲، ص ۴۶۷-۴۶۸

۲- الضحی: ۵.

ص: ۱۲

اما ترضی أنّک معی فی الجنّة والحسن والحسین وشيعتنا عن أيماننا و عن شمائلنا (۱) ۷

آیا دوست نمی‌داری تو و حسن و حسین با من باشید، و شیعه و پیروان ما مقامی در سوی راست و چپ ما داشته باشند؟
و همو گفته است: طبرانی چنین آورده که رسول خدا به علی فرمود:

«انّ اول أربعة يدخلون الجنّة أنا و أنت و الحسن و الحسين، و شيعتنا عن أيماننا و شمائلنا (۲) ۸

تحقیقاً اولین گروه چهار نفری که وارد بهشت می‌گردند من و تو و حسن و حسین هستیم، و شیعیان ما از اطراف راست و چپ ما بر آن در می‌آیند.

و از همو است می‌گفت: طبرانی حدیثی را یاد کرده است که رسول خدا به علی فرمود:

يا عليّ! قد غُفِرَ لَكَ ولذريّتك ولشيعتك ومُحِبّي شيعتك (۳) ۹

علی! برای تو و فرزندان و شیعیان تو آمرزش و مرحمت الهی منظور شده است.

۱- الصواعق المحرقة، ج ۲، ص ۴۶۶

۲- همان.

۳- . همان.

ص: ۱۳

و همچنین گفته است: دارقطنی حدیثی در کتاب خود آورده که نبی اکرم به علی فرمود:

یا ابا الحسن! أما أنت و شیعتک فی الجنة (۱) ۱۰

ابوالحسن! اما تو و شیعه تو در بهشت جای دارید.

و نیز دارقطنی از ام سلمه حدیث رسول خدا را آورده است که به علی فرمود:

انت واصحابک فی الجنة، و شیعتک فی الجنة (۲) ۱۱

تو و یارانت در بهشت جای دارید، و شیعه تو در بهشت سکنی گزینند.

ابن اثیر جزری در

«النهاية فی غریب الحدیث و الأثر»

ضمن ماده «قمح» چنین یاد کرده است: در حدیث علی آمده است که نبی اکرم به او فرمود:

ستقدم علی الله انت و شیعتک راضین مرضیین، و یقدم علیک عدوک غضاباً مقمحين، ثم جمع یده الی عنقه یریهم کیف الاقماح

(۳) ۱۲

تو و شیعه تو قریباً بر خدا وارد خواهید شد در حالی که دشمنان تو در روز قیامت در حالی که

خشمگین و دست‌هایشان به گردنشان بسته است بر تو

۱- الصواعق المحرقة، ج ۲، ص ۴۶۸

۲- همان.

۳- النهایه ابن اثیر، ج ۴، ص ۱۰۶

ص: ۱۴

در آیند. آنگاه رسول خدا دست‌ها را برگردن فراهم آورد تا به آن‌ها کیفیت به غل کشیدن را نشان دهد. سیوطی در تفسیرش (۱) ۱۳ ضمن تفسیر آیه: **إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ** گفته است: ابن عساکر از جابر بن عبدالله حدیثی در کتاب خود یاد کرده است که جابر می‌گفت: ما نزد نبی اکرم بودیم، در این اثنا علی وارد شد. نبی اکرم با دیدن علی فرمود:

والذی نفسی بیده ان هذا و شیعتہ لهم الفائزون یوم القیامه، ونزلت:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ... (۲) ۱۴

سوگند به آن که جان من در ید قدرت او است این شخص یعنی علی و شیعه او در روز قیامت فائز و رستگار و موفق‌اند، و آیه: **إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا** درباره آنها نازل شده است.

سیوطی همچنین در این تفسیر گفته است: ابن عابدی حدیثی از ابن عباس آورده که وی می‌گفت: وقتی آیه: **إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ** نازل شد رسول خدا به علی فرمود:

۱- به نام «الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور».

۲- الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۷۹.

ص: ۱۵

تاتی انت وشيعتك يوم القيامة راضين مرضيين. (۱) ۱۵

و همو در همان تفسیر گفته است: ابن مَرْدَوِيَه از علی حدیثی آورده که می گفت: رسول خدا به من فرمود:

الم تسمع قول الله: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ

انت وشيعتك، وموعدي وموعدكم الحوض اذا جاءت الامم للحساب، تدعون غداً غُرّاً مُحَجَّلِينَ (۲) ۱۶

ای علی! آیا این سخن خدا را نشنیدی که فرمود: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ... أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ اینان عبارت از تو و شیعه تو هستند.

وعدگاه من و وعدگاه شما کنار حوضِ کوثر است، وقتی که اُمّت‌ها برای حساب و بازپرسی می آیند شما را در فردای قیامت با

عنوانِ «غُرّ محجلین / آبرومندان و روسفیدان» یاد می کنند. در کتاب «غایه المرام» از «مغازلی» - با اسناد به انس ابن مالک آمده است که

انس می گفت: رسول خدا فرمود:

يدخل من امتي الجنة سبعون ألفاً لحساب

۱- الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۷۹، ترجمه این حدیث در صفحه ۱۱ همین کتاب گذشت.

۲- الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۷۹

ص: ۱۶

علیهم، ثم التفت الی علی فقال: هم شیعتک و انت امامهم (۱) ۱۷

از امت من هفتاد هزار نفر وارد بهشت می گردند که حساب و بازپرسی در مورد آنها به عمل نمی آید، آنگاه رو کرد به علی و فرمود: اینان شیعه تو هستند، و تو امام و رهبر آنها می باشی.

در همان کتاب «غایه المرام» از کثیر بن زید آمده است که می گفت: اعمش برمنصور دوانقی در آمد و او برای رسیدگی به شکایات جلوس داشت، وقتی چشمش به اعمش افتاد به او گفت: ای سلیمان! بیا صدر مجلس بنشین. اعمش گفت: من خود، هر جا بنشینم صدرنشینی به مکان نیست، بلکه به مکین مربوط است، تا کجا بنشینم و باید صدر را در جایگاهی که من نشسته‌ام جستجو کرد تا آنجا که ضمن گفتگوش یادآور شد: حدیث کرد مرا رسول خدا و فرمود:

اتانی جبرائیل انفاً فقال: تختموا بالعقیق؛ فانه اول حجر شهد الله بالوحدانیة، ولی بالنبوۃ، ولعلی بالوصیة، ولولده بالامامة، ولشیعته بالجنة

(۲) ۱۸

لحظاتی پیش جبرائیل نزد من آمد و گفت انگشتان خود را با انگشتری عقیق بیارائید؛ زیرا

۱- . غایه المرام، ج ۱، ص ۱۲۰، ح ۴

۲- . همان، ح ۶

ص: ۱۷

عقیق نخستین سنگی است که برای خدا به وحدانیت، و برای من به نبوت، و برای علی به وصایت و خلافت، و برای فرزندانش به امامت، و برای شیعیان علی به بهشت گواهی داده است.

و نیز در همان کتاب از موفق بن احمد- با ذکر اسناد- تا سلمان فارسی آمده: سلمان از پیامبر اکرم روایت کرده است که آن حضرت فرمود:

یا علی! تختم بالیمین تکن من المقربین. قال: یا رسول الله! وما المقربون؟ قال: جبرائیل و میکائیل. قال: فبما اتختم یا رسول الله؟ قال: بالعقیق الاحمر؛ فانه جبل اقر الله بالوحدانیة، ولی بالنبوة، ولك بالوصیة، ولولدك بالامامة، ولمحبيك بالجنة، ولشيعته ولدك بالفردوس (۱) ۱۹

ای علی! انگشتری را در انگشت دست راست خود قرار ده که از رهگذر آن از زمره مقربین به شمار روی. عرض کرد: یا رسول الله: مقربین چه کسانی هستند؟ فرمود: جبرائیل و میکائیل. عرض کرد با چه انگشتری دستم را بیاریم؟ فرمود با انگشتری عقیق سرخ؛ زیرا عقیق کوهی است که برای خدا به وحدانیت، و برای من به نبوت، و برای تو به وصیت و خلافت، و برای فرزندان تو به امامت و برای دوستداران تو به بهشت، و برای شیعیان تو

ص: ۱۸

به فردوس و رودباری در بهشت که در آن از هر گیاهی روید، اقرار کرده است.

- این احادیث نمی‌ازیم، و اندکی از بسیاری است که در آنها خود رسول اکرم دوستان علی و دوستان اولادش را «شیعه» نامیده است.

هدف ما در آگاه ساختن شما بر این روایات چنان نبود که حامل بشارت‌ها و نویدهایی باشیم که رسول اکرم به شیعه علی و شیعه خاندان او ارائه فرموده و این نویدها را به آنها خاطر نشان ساخته است، اگرچه این بشارت‌ها در خور حفظ و روایت و نقل است و سزا است شیعه- تا روزگار باقی است- بدان‌ها افتخار کند. بلکه هدف ما آن بود که تو مطالعه کننده عزیز نسبت به دوستان و پیروان اهل‌البیت پایگاهی از انصاف را گزینش کنی و خویشان را- به هنگام هم‌آهنگی با شیعه- ارزیابی نمایی. بنابراین در یورش بر آنها- به صرف آن که شیعه آل محمد هستند- شتاب نگیری؛ زیرا اگر خویشان را به انصاف و اداری بازمی‌یابی آنان دارای مفاخر والایی هستند که کتاب و سنت مردم را بدان‌ها فرا می‌خواند، و نیز به این نتیجه می‌رسی که شتابزدگی و پیش‌داوری تحقیرآمیز درباره آنها ستم رانی بر آنها و برخوردت می‌باشد.

از رهگذر این احادیث و امثال آنها خواهی دانست واژه «شیعه» را صاحب شریعت اسلام یعنی پیامبر اکرم

ص: ۱۹

درباره کسانی به کار برده است که دوستدار و پیرو عترت و خاندان او هستند. پس بنابراین چنانچه این واژه یا اصطلاح بدون قید و شرط به کار رود از همان روزگار و همزمان با حیات رسول اکرم از آن استفاده می‌شد که منظور از «شیعه» فرد و یا افرادی هستند که دل‌های آن‌ها ولای علی و فرزندان او را پذیرا گشته است. و برای تو روشن خواهد شد که این اسم و عنوان دارای همین مصادیق و مُسمّیات در همان زمان بوده است.

دعوت به تشیع از چه زمانی آغاز شد؟

گزارش نیست اگر بگوییم: دعوت به تشیع از همان روزی آغاز شد که رهایی بخشِ بزرگِ انسان‌ها محمد در همان روز، بانگ و آوا به کلمه «لا اله الا الله» در دره‌ها و کوه‌های مکه برآورد؛ زیرا وقتی آیه: **وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ (۱)** نازل شد- و نبی اکرم بنی‌هاشم را گرد آورد و به آن‌ها هشدار داد و دلِ آنان را از عذاب خدا بیمناک ساخت- فرمود:

ایکم یؤازرنی لیكون اخی و وارثی و وزیرى و وصیى و خلیفتى فیکم بعدى؟ (۲) ۲۱

۱- شعراء: ۲۱۴.

۲- بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۱۷۸ به نقل از علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۷۰، باب ۱۳۳

ص: ۲۰

کدامیک از شما مرا یاری می‌دهد تا پس از من برادر و وارث و وزیر و وصی و خلیفه و جانشینم در میان شما باشد؟

هیچ یک از حاضران به درخواست آن حضرت - جز علی مرتضی - پاسخ مثبت نداد. رسول خدا به آن‌ها فرمود:

هذا اخی و وارثی و وزیری و وصیی و خلیفتی فیکم بعدی فاسمعوا له و اطیعوا (۱) ۲۲

این یعنی علی بعد از من برادر و وارث و وزیر و وصی و جانشین من در میان شما است به امر او گوش فرادهید و از او فرمان برید.

بنابراین دعوت به تشیع و پیروی از ابی الحسن علی از سوی صاحب رسالت، همگام و همزمان با دعوت به شهادتین صورت پذیرفته

است؛ به همین جهت ابوذر غفاری شیعه علی بوده و باید او را چهارمین و یا ششمین فردی به شمار آورد که به اسلام سبقت جست.

سخن محمد کردعلی، ما را از تأیید استدلالمان در جهت اثبات هدف و منظور ما بی‌نیاز ساخته است، چرا که وی می‌گفت:

«گروهی از بزرگان صحابه در زمان رسول خدا به ولایت و دوستی نسبت به علی معروف بوده‌اند، مانند:

۱- بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۱۷۸ به نقل از علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۷۰، باب ۱۳۳

ص: ۲۱

سلمانِ فارسی که می‌گفت: با رسول خدا بیعت کردیم مبنی بر این که از نصیحت و ارشاد مسلمین دریغ نورزیم و پیرو و دوستدارِ علی بن ابی‌طالب باشیم.

و ابوسعید خدری که می‌گفت: مردم به پنج امر موظف گشتند، اما به چهار امر عمل کردند و یک امر را ترک گفتند. وقتی از او راجع به آن چهار امر سؤال کردند پاسخ داد: نماز، زکات، روزه ماهِ رمضان، و حج که مردم بدانها عملاً پای بند بودند. پرسیدند آن امری را که مردم به آن بی‌اعتنایی کردند چیست؟ گفت: ولایتِ علی بن ابی‌طالب. گفتند: آیا ولایت علی مانند آن چهار امر و در کنار آن‌ها فرض و واجب است؟ پاسخ داد: آری، همراه آن چهار امر این امر نیز به سان آن‌ها برخوردار از وجوب و ضرورت است. و ابی‌ذرّ غفاری، و عمار بن یاسر، و حذیفه بن الیمان و ذی‌الشهادتین یعنی خزیمه بن ثابت، و ابویوب انصاری، و خالد بن سعید بن عاص، و قیس بن سعد بن عباده که همگی به ولایت و تشیع نسبت به علی نامور و معروف بوده‌اند.

آنگاه محمد کردعلی می‌گوید:

«اما نظریه پاره‌ای از نویسندگان - مبنی بر این که پدید آمدنِ گروهی به عنوانِ «اهلِ مذهبِ تشیع» از بدعت‌ها و نوآوری‌های عبدالله بن سبأ، معروف به «ابن السّوداء» می‌باشد - نظریه‌ای نادرست است و از قَلتِ معرفتِ این نویسندگان نسبت به حقیقتِ مکتبِ «اهلِ

ص: ۲۲

مذهب تشیع ریشه می‌گیرد. اگر کسی راجع به این مرد (۱) ۲۳! از دیدگاه شیعه اطلاعی کسب کند و از مراتب تنفر شیعه نسبت به او و گفتار و کردارش آگاه گردد، و سخن دانشمندان شیعه را - که بی‌هیچگونه اختلافی وی را مورد طعن و هدف یورش قرار داده‌اند - مورد مطالعه قرار دهد به این نکته پی می‌برد که تا چه حد و مقداری نظریه اینگونه نویسندگان به صواب نزدیک است؟ یعنی متوجه خواهد شد نظریه آنان تهی از واقعیت و فاقد صحت است. بدون تردید شیعه نخستین بار در حجاز - که باید آنرا سرزمین تشیع برشمرد - پدید آمد.

محمد کردعلی شیعه و یا از مدافعان شیعه نیست؛ لکن امانت و تقوای علمی موجب گشت وی این حقیقت را خالص و بدون شائبه غرض ورزی و بدون این که تحت تأثیر تعصبات مذهبی قرار گیرد، اظهار نماید، تعصباتی که حق را ضایع کرده و چهره حقیقت را دگرگونه ساخته است.

محمد کردعلی سپس یادآور می‌شود که پیدایش شیعه در دمشق به قرن اول هجری می‌پیوندد. (۲) ۲۴

- ۱- این شخصیت را گروه زیادی از محققان ساختگی و افسانه‌ای می‌دانند که اصلاً وجود خارجی نداشت. جامع‌ترین تحقیق در این زمینه کتاب «عبدالله بن سبأ» اثر علامه مرتضی عسکری است که اساساً او و حدود صد و پنجاه صحابی دیگر که نام آنها در تواریخ آمده است مجعول و ساخته افسانه سرایان است (بنگرید به «مائه و خمسون صحابی مختلف» از همین دانشمند). م.
- ۲- . خطط الشام، ۵ / ۲۵۱ و ۲۵۶.

ص: ۲۳

وی با این سخن فشرده و کوتاه و استدلال بر ظهور تشیع همزمان با حیات صاحب رسالت اسلام ما را از ادامه استدلال بر این حقیقت بی‌نیاز می‌سازد.

انتشار تشیع

بیعت غدیر خم آخرین زمینه‌ای بود که رسول حکمت و اصلاح جامعه برای خلافت و جانشینی علی - پس از خود - آماده ساخت. جریان غدیر خم حادثه‌ای بود که ناگهان مردم با آن مواجه شدند. برکه و غدیر خم آب‌هایش نابه هنگام فروکش کرد، در آنجا درختان گشن و بزرگ وجود داشت رسول خدا از سوی خدا مأمور گشت بر روی خارهای زیر این درخت توقف کند، صد هزار نفر و یا بیشتر از مسلمین در آن هنگام در چنین مکانی کنار آن حضرت بودند. غدیر خم بر سر دو راهی قرار داشت و مردم ممکن بود در آنجا بپراکنند. رسول خدا این نقطه را محل مناسبی برای غنیمت شمردن فرصت یافت تا به همه حاضران - قبل از آن که پراکنده شوند - حقیقت را اعلام و با آنها بیعت کند، و آنان نیز به نوبه خود این حقیقت را به کسانی که در این محفل عظیم حضور نداشتند خاطر نشان سازند. آنان که غایب بودند و در این جلسه حضور به هم نرسانند این حقیقت - با توجه به کثرت جمعیت از هر بلادی - قطعاً به گوش آنها رسید. آیا در این صورت می‌توان تصور کرد که فردی از فرزندان

ص: ۲۴

اسلام در آن روزها از چنین بیعتی بی‌خبر مانده باشد؟!!

در همین مکان بود- که قبل از دستور به توقف و تجمع مردم- آیه زیر نازل شد:

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ (۱) ۲۵

«ای فرستاده من آنچه را که از سوی پروردگارت به تو نازل شد به مردم ابلاغ کن، اگر چنین نکنی بدان که رسالت الهی را ابلاغ نمودی.»

و چون رساندن سخن به گوش حاضران- با چنین شماری عظیم- بدون منبر غیرممکن به نظر می‌رسید دستور داد از محمل و هودج شتران منبری درست کردند. و آیه مذکور- همانگونه که برای ما گزارش می‌کند بیعت گرفتن برای علی از سوی خدا و به دستور او بوده است- این نکته را نیز خاطر نشان می‌سازد که رسالت پیامبر اکرم بدون بیعت گرفتن برای علی و منهای اعلام امامت او بر مردم ناتمام بود و با اعلام امامت او رسالت آن حضرت کامل گردید. این نکته برای کسی که مطلب را

۱- . مائده: ۶۸. نزول آیه مذکور را در روز غدیر گروهی از علماء روایت کرده‌اند، بنگرید به:

الدر المنثور: سیوطی، اسباب النزول: واحدی، تفسیر الکشف و البیان عن تفسیر القرآن: ثعلبی، الحلیه: ابونعیم، التفسیر الکبیر: فخرالدین رازی و امثال آنها.

ص: ۲۵

تحت تدبیر و بررسی می‌گیرد کاملاً آشکار است؛ زیرا رسول اکرم عهده‌دار وظایف مختلف قانونگذاری و اجرایی و سیاسی و دینی و اداری و قضا و شمار زیادی از امور دیگر بود، و همه آن‌ها را شخصاً رسیدگی می‌کرد. اما اگر مرگ آن حضرت فرا می‌رسید مردم نمی‌توانستند از مسؤلی برای ادای این وظایف - جز قانونگذاری که از ویژگی‌های نبی است - بی‌نیاز باشند. و قیام به‌ادای وظایف در رابطه با شوون دیگر - غیر از قانونگذاری از کسی جز امام معصوم ساخته نبود، امامی که علم و رأی خود را از ملاً اعلی استمداد و دریافت می‌کرد. شناسائی چنین امام و اطلاع از کفایت و لیاقت او برای مقام رهبری جز برای کسی که این امام را به ثمر رسانده، یعنی جز برای رسولی که امین بر امت اسلامی می‌باشد غیر ممکن بود.

رسول خدا برخاست و برفراز منبر آمد، و در لحظه‌ای از روز که هوا بسیار گرم بود مردم در این مکان توقف کردند و ناگزیر شدند قسمتی از پیراهن بلند خود را بالای سر و قسمتی دیگر را زیر پا قرار دهند تا از تابش سوزان خورشید دچار آفتاب‌زدگی نشده و از ریگ داغ زمین صدمه نبینند. نبی اکرم به سخنرانی آغاز کرد، و این سخنرانی از ساعات نخستین روز تا هنگام ظهر ادامه یافت، و از مجاهدت‌های خود در راه خدا، و دلسوزی و ارشاد مردم، و انتخاب علی به عنوان امام و راهبر الهی - بعد

ص: ۲۶

از خود- سخن به میان آورد و ضمن خطابه خود فرمود:

الست أولى بالمؤمنين من انفسهم

آیا من از مؤمنین نسبت به خودشان سزاوارتر و برخوردارتر از ولایت نیستم؟

مردم گفتند: خدایا گواه باش که ما می‌گوییم آری. آنگاه فرمود:

من كنت مولاه فهذا علي مولاه

آن‌که من دارای ولایت نسبت به او هستم، این علی نیز به سان من دارای ولایت نسبت به او است.

بدین‌طریق برای علی همان مقام و منزلتِ اولویت فراهم آمد که برای رسول خدا به هم رسید؛ و آن عبارت از مقام خلافت الهی بود.

و مردم در همان روز با همین علی بیعت کردند تا آنجا که ابوبکر و عمر به علی عرض کردند:

هنيئاً لك يا ابن ابي طالب اصيحت مولانا و مولی كل مؤمن و مؤمنة» (۱) ۲۶

۱- نویسندگان کتب فضائل و حدیث و تاریخ، تهنیت عمر به امیرالمؤمنین علی را یاد کرده و تهنیت ابی‌بکر را بر آن افزوده‌اند،

بنگرید به: التفسیر الکبیر: فخرالدین رازی ضمن تفسیر آیه یا أَيْهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ... وَمُسَيِّدِ أَحْمَدِ بْنِ حَنْبَلٍ كَمَا أَنَّ رَأْيَ بَنِي عَازِبٍ

روایت می‌کند، و تفسیر الکشف و البیان عن تفسیر القرآن: ثعلبی، والصواعق: ابن حجر در اوائل آن ضمن شبهه یازدهم. ابن حجر

می‌گوید: ابوبکر و عمر به علی عرض کردند: «امسیت مولی کل مؤمن و مؤمنة»

ص: ۲۷

«این مقام برای تو فرخنده و گوارا باد ای علی بن ابی طالب. تو از این پس مولای ما و مولای هر مرد و زن با ایمان خواهی بود». هنوز مردم از هم نپراکنده که آیه زیر نازل شد:

الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا (۱) ۲۷

«هم امروز آیین شما را برایتان کامل کردم، و نعمت و احسان خویش را نسبت به شما بدون هیچگونه نقصی محقق ساختم، و اسلام را- به عنوان آیین و شریعت پذیرفته و مورد قبول برای شما- مقرر و مسجل نمودم».

با توجه به این آیه می‌توان گفت از رهگذر امامت و ولایت علی بود که آیین اسلام و نعمت الهی به کمال رسید، و اسلام به عنوان دینی پسندیده و آیینی مورد قبول به امت اسلامی اعلام شد.

اگر کار حکومت و اداره مردم- پس از رسول خدا- در اختیار علی قرار می‌گرفت بعد از چنان بیعت و پس از نزول چنان آیات و ورود چنان روایات- که همگی گویای فضیلت آن حضرت بوده‌اند- همه مردم به جای فرقه‌گرایی و پریشانی در مکتب و مذهب، آیین

۱- مائده: ۳. بنگرید به: الدر المنثور، و تاریخ خطیب بغدادی، و ابن عساکر، و نوشته‌های طبری، و ابن عقده از طُرُق حدیث غدیر، و ثعلبی، و ابن المغازلی، و حافظ جزری شافعی و دیگران.

ص: ۲۸

تشیع را می‌پذیرفتند؛ اما چون در جهت رسیدن علی به خلافت موانعی پدید آمد و مردم ناگهان با جریاناتی که قبلاً پیش‌بینی نمی‌کردند مواجه شدند دیری نپایید که ابی‌بکر به عنوان خلیفه اداره امور مسلمین را به دست گرفت، با وجود چنین شرایطی که پدید آمده بود چگونه می‌توان انتظار داشت مردم بر ولایت و تشیع نسبت به اهل‌البیت باقی می‌مانند، مردمی که پیرو قدرت و حکومت بودند. آری تنها عده‌ای از مردم بودند که در آن‌زمان این جریان ناگهانی و حادثه نابه‌سامان نتوانست ثبات و پایداری آنان را بر ولایت و امامت علی متزلزل سازد. لذا تشیع با انزوای علی دچار انزوا گشت، و انتشار آن پس از این حادثه پریشان در سرزمین‌های پهناور اسلام مانند جنبش مورچه بر روی تخته سنگ بی‌سر و صدا بود و انظار را به خود معطوف نمی‌ساخت. هیچ قبیله و سرزمینی باقی نماند که تشیع نوزادش را در میان آنها نهاده باشد و این نوزاد بتواند در آرامش و آسایش به سربرد.

علنی شدن دعوت به تشیع

شیعه خلافت الهی را برای هیچ‌کسی جز علی و فرزندان‌ش معتقد نیست؛ به همین جهت دولت‌ها و حکومت‌های وقت کمترین مجالی برای رواج و انتشار آن فراهم نمی‌آوردند، و نمی‌خواستند این مذهب، نسیم آزاد

ص: ۲۹

و هوای پاکیزه‌ای را استنشاق کند؛ بلکه حکومت‌های زمان تا می‌توانستند محیط خفقان آوری برای آن ایجاد می‌کردند؛ زیرا با ظهور تشیع و نیرومند شدن آن بیم آن می‌رفت که تشکیلات و سازمان حکومت آنها متزلزل گردد.

دنیا عثمان و بنی‌امیه را از ایجاد موانع در برابر ظهور تشیع به خود سرگرم ساخت و این مکتب- به خاطر سرگرم بودن حکومت وقت به دنیاپرستی- مجالی برای توجه مردم به سوی خود یافت و توانست خاطره روز غدیر خم و فضایل علی مرتضی و اهل بیت نبوت را در اذهان تجدید کند. و چون عثمان و اقوام و دارو دسته‌اش در مورد دارایی مملکت در آمد آنها به خود اختصاص دادند، و پست‌ها را در اختیار خود گرفتند، و عثمان با بذل و بخشش ضیاع (۱) ۲۸ و عقار (۲) ۲۹ به اقوام خود و نیز منحصر ساختن خمس و صفایا (۳) ۳۰ و اموال گرانبها به آنها کارهایی را برخلاف راه و رسم سلف خود در پیش گرفته بود که در نتیجه دل‌های مردم از کینه نسبت به آنان سرشار گشت.

عثمان تا می‌توانست روی خوشی به امثال ابی‌ذر

۱- آب و زمین حاصلخیز.

۲- اموال با ارزش.

۳- شتر پر شیر، درخت خرما پر بار.

ص: ۳۰

نشان نمی‌داد؛ بلکه با چهره‌ای متغیر و دگرگونه با ابی‌ذر و افرادی از قبیل او برخورد می‌کرد، ابی‌ذری که علناً ولای علی را به مردم یادآور می‌شد، و پیرامون خانه‌های مردم مدینه - به سان طوفان - می‌گشت و با صدای بلند بانگ برمی‌آورد که:

اَدَّبُوا اولادکم علی حب علی، فمن ابی فانظروا فی شأن امّه. (۱) ۳۱

آئین زندگانی را براساس حب و دوستی علی به فرزندان خود تعلیم دهید آن‌که از این کار خودداری ورزد درباره‌مادرش مطالعه به عمل آورید یعنی حق دارید در طهارت مؤلّد چنین فردی تردید نمایید.

جابر بن عبدالله انصاری نیز همانند ابی‌ذر مردم را به ولای علی فرا می‌خواند.

ابی‌ذر و هم‌مسلمانان او تا می‌توانستند در مقام انتقاد و اعتراض نسبت به کارهای نادرست برمی‌آمدند و تبهکاری‌ها را به باد یورش می‌گرفتند.

همین کار ابی‌ذر موجب گشت تا عثمان وی را به شام تبعید کند. در شام نیز دست از روش خود برنداشت و وعده و وعید نتوانست او را - از خط مشی و رسالتش - به یکسو نهد. فریادهای اعتراض او در شام به بازدهی مطلوب

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۹۳، ح ۴۷۴۴

ص: ۳۱

بارور شد؛ معاویه ترسید مردم شام علیه او شورش برپا کنند و اگر ابوذر به آواهای اعتراض آمیز خود ادامه دهد و مردم را زیر چتر ولای علی و خاندانش قرار دهد آرزوهای خوش او را این آزادی عمل ابوذر از میان می‌برد و پریشان حالش می‌سازد؛ لذا دستور داد ابی‌ذر را به مدینه بازگردانند و خشن‌ترین مرکب را برای بازگشت او به مدینه در نظر گرفتند، و آن را به سرعت می‌رانند تا آنجا که گوشت کچاله ران‌هایش از هم دریده شد. اما مگر ابی‌ذر در مدینه آرام گشت؟! بلکه زبان خلنده او که تبهاران را می‌آزرد گویاتر شد و چون عثمان دید برای سکوت ابی‌ذر راه چاره‌ای وجود ندارد و تبعید، یا تطمیع به مال، و یا سرزنش و سرکوفت نمی‌تواند مانع از ادای وظیفه و انتقادهای او گردد او را به «ربذه» - یعنی همان‌جایی که قبل از اسلام در آن به سر می‌برد - تبعید کرد، و سرانجام در آنجا به علت گرسنگی از دنیا رفت. (۱) ۳۲ الله اکبر، سخن حق را ببینید که با انسان چه می‌کند، و چه مصیبت‌ها و سختی‌ها است که به خاطر ادای وظیفه امر به معروف و نهی از منکر عاید انسان می‌گردد. شگفت نیست که ابی‌ذر دچار چنین سرنوشتی شود، زیرا آن که

۱- . همه مورخان ترجمه احوال ابی‌ذر و مصائبی که در راه خدا و احقاق حق به خود دید یاد کرده‌اند، اگر می‌خواهید به بخشی از این جریان آگاه شوید به شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید، ج ۲، ص ۳۷۶ مراجعه کنید.

ص: ۳۲

تصمیم دارد در راه خدا از سرزنش هیچ ملامتگری هراس به خود راه ندهد، و هیچ سرکوفتی او را تحت تأثیر خود نگیرد خویشتن را برای تحمل ناخوشی‌ها و شکنجه‌ها و صدمه‌ها آماده ساخته و با آغوش باز از اینگونه ناراحتی‌ها استقبال می‌کند. اما حقاً چنین پایمردی را باید در کنار مصائبی دیگر ناچیز دانست: رسول خدا قبل از ابی‌ذر مصائبی سخت‌تر و دردناک‌تر را به خود دید. و امام حسین پس از ابوذر از مصائبی استقبال کرد که به مراتب سوزناک‌تر و فجیع‌تر از مصائب ابی‌ذر بوده است. و بدین‌سان هر که خواهان و مصمم بر احقاق حق و ابطال باطل است خود را برای اینگونه فداکاری‌ها آماده می‌کند. نام این قهرمانان را جز اینگونه فداکاری‌ها و جانفشانی‌های پرارزش جاویدان نساخت، اینان بهترین الگوها و افراد نمونه‌ای به شمار می‌روند، به ویژه در چنان دورانی که عوامل سقوط و گمراهی بر سر مردم سایه افکننده بود؛ اما باید دید چه کسانی دست‌اندرکار شدند و با پایمردی و استقامت به هیچوجه تحت تأثیر عوامل محیطی قرار نگرفتند.

نتیجه آن‌که علنی شدنِ دعوتِ تشیع از زمان عثمان درخشیدن آغاز کرد و عثمان نتوانست با حربه تبعیدِ ابوذر، و مجازات عمار و درهم شکستن استخوان‌های پهلوی‌ش این دعوت را در محاقِ آن خفه کند و به آن خاتمه دهد. (۱) ۳۳

۱- محمد حسین مظفر - سیدمحمد باقر حجتی، شیعه و سابقه تاریخی آن، ۱جلد، نشر مشعر - تهران، چاپ: ۱، ۱۳۸۷.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

